

بسم الله الرحمن الرحيم

***ائتلاف عدالت و آزادی در حکومت امیرالمومنین(ع)**

حجت الاسلام محسن قنبریان

دوگانه عدالت - آزادی

دوگانه عدالت-آزادی قصه عجیبی دارند. برخی حکومتها هردو را رد کردند و برخی جانب یکی را گرفتند.

در غرب جدید دوشرب "اصالت فرد" یا "اصالت جامعه" هرکدام جانب یکی از ایندو را گرفته و دیگری را به آن یکی تاویل بردند.

اصالت فردها، آزادی را مقدم بر عدالت کردند و لیبرالیسم را پدید آوردند. در نهضت مشروطیت اروپا، "تعدیل قدرت" را نشانه گرفتند. عدالت در برخی قرائت های این مکتب، "عدالت معاوضی" یا مبادله ای معنا شد. مفهومش این است که عدالت، جز برابری سود و زیان ناشی از معاملات معنایی ندارد؛ پس آنچه اراده افراد بر آن توافق کنند، عادلانه است. چون هرکس به سود و زیان خود بیش از دیگران آگاه است، از اینرو امکان بسته شدن قراردادهای غیر عادلانه وجود ندارد.

چنانچه می بینید عدالت به آزادی افراد تاویل برده میشود.

درمقابل اصالت جامعه ای ها، عدالت را بر آزادی مقدم داشته، سوسیالیزم را پدید آوردند. نهضت های سوسیالیستی قرن 19 "تعدیل ثروت" را نشانه گرفت. مارکس شعارش را "از هرکس به قدر توانائی و به هرکس به قدر نیاز" قرار داد. اینجا "عدالت توزیعی" با مداخله حداکثری دولت و کاهش آزادی افراد سر درآورد که به دیکتاتوری های لنین و استالین هم انجامید.

مکتب علی (ع):

در مکتب اسلام دوگانه اصالت فرد یا جامعه بدین شکل قابل طرح نیست و اصالت هردو قابل دفاع است(1). عدالت و آزادی نیز در تقابل باهم در نمی آیند. حوزه وسیع عدالت اجتماعی با "عدالت سیاسی" شروع می شود. در مکتب تشیع عدالت سیاسی، تعبیر دیگری از "امامت عدل" و ولایت است؛ که از قضا نقطه شروع آزادی هم هست. بدین

معنا که ولایت با زور و سلطه برقرار و ادامه نمی یابد ؛ بلکه حتما با انتخاب آزادانه مردم ، در جامعه محقق می شود.

علی (ع) در جواب ابوسفیان که پس از رحلت پیامبر(ص) می خواست مدینه را برایش پر از سواره و پیاده کند تا حقش را بگیرد، فرمود: "هذا ماء آجن" یعنی این نحوه گرفتن حق ولایت آب متعفن است(2).

در شورای شش نفره برای انتخاب خلیفه سوم به عبدالرحمن عوف فرمود: "لنا حق ان اعطيناه والا رکبنا اعجاز الابل" (3) یعنی برای ما حقی است (حق ولایت و حکومت) اگر به ما اعطایش کنند؛ والا بر پشت شتر می نشینیم ولو شب روی طولانی شود.

چه زیبا تعبیر می کند. این حق اعطاء کردنی است نه به زور گرفتنی. انتخاب غیر حاکم الهی هم رفتن در شب ظلمانی است اما علی(ع) این شب روی را بر به زور گرفتن ترجیح می دهد.

بعد از عثمان هم به طلحه و زبیر جملی نوشت: "ان العامة لم تبایعنی لسلطان غالب و لا لعرض حاضر" (4) یعنی عموم مردم با زور و سلطه با من بیعت نکردند با پول پاشی من هم به بیعت در نیامدند. هم عامه و عموم بودند و هم دلخواه و آزادانه.

پس شروع عدالت به عدل سیاسی است و شروع عدل سیاسی با آزادی است. حتی آنها که بیعت نکرده بودند بعد از تشکیل حکومت آزاد بودند و فقط با بیعت شکنانی که علیه حکومت الهی مورد انتخاب مردم ،بغی کرده ،دست به عملیات مسلحانه می زدند مبارزه میشد.

البته همانها که در پذیرش عدل سیاسی آزاد بودند، پس از تحقق مردمی حکومت عدل در برابر عدالت اقتصادی آزاد نبودند. با قاسطین و با زیاده خواهان مبارزه می شد. این ترکیب زیبا و متوازن عدالت و آزادی در مکتب علی(ع) است. لذا عده ای آزادی او را و عده ای عدالتش را تحمل نمی کردند!

آنان که آزادی اش را تحمل نمی کردند!

در دوره او هم کسانی که جگرخون کنند و زیاده از ولایت جلو بروند بودند. این چند نمونه خواندنی است:

1. مشاجره علی(ع) با رئیس شرطه کوفه:

بعد از پایان جمل وقتی حضرت وارد کوفه شد، درباره کسانی که در همراهی اش کوتاهی کرده و جنگ جمل نیامده بودند به مردم فرمود که بدی کار آنها را به آنها گوشزد کنند و از آنها دوری گزینند. مالک بن حبیب یربوعی که رئیس شرطه های امام در کوفه

و بمثابة فرمانده انتظامی بود به امام عرضه داشت: به خدا می بینم که دوری از آنها و گوشزد کردن بدی کارشان چیز کمی است . به خدا اگر امر کنی آنها را به قتل می رسانیم!

امیرالمومنین فرمود: پناه بر خدا ای مالک از حد و حدود تجاوز کردی و کار را به جای باریکی کشاندی!

فرمانده گفت: اندکی بی عدالتی بهتر از کنار آمدن با دشمنان است!!!

امیر(ع) پاسخ فرمود: خدا اینطور حکم نمی کند . ای مالک خدای سبحان می فرماید: "النفس بالنفس" پس چرا بی عدالتی کنم؟

این صحنه ، برخی مخالفین جنگ جمل را جرات اعتراض داد. ابوبرده بن عوف که از متخلفین بود حالا به اعتراض بلند شد و کشتن طلحه و زبیر و جملی ها را زیر سؤال برد. امام شروع به توضیح کرد و جنایات آنها در بصره را فهرست کرد از جمله کشتن حدود 1000 نفر از مردم را.

ابوبرده گفت : تا قبل از این در شک بودم ولی اکنون خطای آنها بر من روشن شد و دانستم حق با شماست!(5)

البته گاه می شد یاران — که این سطح از آزادی خواهی امام را نوش نکرده بودند- معترض را به قصد کشت میزدند! چنانچه وقتی اربد از بنی فزاره هنگام خطبه امام برای تشجیع مردم به صفین ، به امام اعتراض کرد و امام را متهم کرد که باز می خواهی ما را بر سر برادران شامی بتازانی تا آنها را بخاطر تو بکشیم ؛ چنانچه با برادران بصری مان چنین کردیم؟! گروهی دنبالش کردند و در بازار اینقدر بامشت ولگد وپاشنه شمشیر او را زد تا مرد! چون در غوغا و شلوغی مرده بود و قاتل معلوم نبود امام دیه او را از بیت المال داد(وقعة صفین ص94و95)

2. شهرک خوارج!

درببرگشت از صفین بحث و مشاجره سر حکمیت بین سپاه کوفه تمام نمی شد. عده ای از خوارج از ورود به کوفه خودداری کردند و به حروراء در نیم فرسخی کوفه رفتند . بقیه هم یک یک و چند نفر چند نفر پیوستند تا شهرکی 12000 نفری شدند! برای خود فرمانده و امام جماعت انتخاب کردند.

طبعاً اصحاب چنین وضعی را بر نمی تابند و دائم از امام می خواهند تا آنها را سرکوب کند. اما دستور امام این است: تا وقتی خونی نریخته اند و مالی غصب نکرده اند کاری با آنها نداشته باشید!

چندین نوبت برای مباحثه با آنها و رفع شبهاتشان به قریه و شهرک آنها رفت. گاهی با ابن عباس و گاهی تنها. یکبار بار با 100 نفر همراه رفت و با ابن الکواء (امام جماعت آنها) بحث کرد و او را با 10 نفر از خوارج جدا کرد. (6)

آنها هم متقابلاً به مسجد کوفه می آمدند و بحث می کردند و گاه در نماز حضرت وارد شده آیه علیه حضرت می خواندند و امام پاسخ می داد.

تا وقتی خون خباب و زنش را نریختند به جنگ با آنها نرفت و وقتی هم رفت اول خطبه خواند و روشنگری کرد. نتیجه این شد که 8000 از آنها را با بیان حکیمانه خود جدا کرد و با 4000 بقیه جنگید.

از عجایب تاریخ اینکه این قومی که فریب قرآن روی نیزه عمرو عاص را خورده بودند حالا وقتی امیر (ع) جوانی را با قرآن فرستاد تا باز بشنوند و تصمیم بگیرند او را تیرباران کردند!

در کدام دمکراسی دنیای قدیم و جدید این آزادی را سراغ دارید؟!

3. مدارا با معترض!

خریت بن راشد پس از صفین و ماجرای حکمیت با 30 نفر نزد امام آمد و گفت: به خدا قسم نه دستورات را اطاعت می کنم و نه پشت سرت نماز می خوانم! فردا هم از تو جدا خواهم شد.

امام او را یادآوری کرد که در این صورت پیمان شکسته ای و نافرمانی پروردگار کرده ای و تنها به خود ضرر زده ای!

بین شان سر حکمیت بحث شد اما خریّت قانع نشد. یکی از اصحاب پرسید چرا او را دستگیر نمی کنید تا بیعت کند یا به زندان افتد؟!

فرمود: اگر با همه کسانی که نسبت به آنها سوء ظن داریم چنین کنیم، زندانهایمان پر می شود نظر من این است که بازداشت و حبس و کیفر آنها تنها در صورتی که آشکارا با ما مخالفت کنند عملی کنیم. (7)

بدین گونه خریّت علیرغمی که قرار بحث دوباره گذاشته بود از کوفه رفت و شورش کرد و امام را مجبور به جنگ با خود کرد.

آنها که عدالتش را تحمل نکردند!

درشت ترین ها همه می شناسیم. حزب قاسطین و اموی ها و طلحه و زبیر و جملی ها فقط برای عدالت او بود که در جنگ با او در آمدند.

عمرو عاص به معاویه نوشت: چه خواهی کرد آنگاه که هرچه داری از تو گرفته شود؛ مانند درختی که پوست آنرا از تنه اش جدا کنند. هرآنچه می توانی بکن!

غیر از این دانه درشت ها با آدمهای خودش هم سر عدالت کوتاه نمی آمد حتی اگر به دشمن بپیوندند! قعقاع بن شور از کارگزارانش را درباره مهریه سنگینش و عطر و بخورهایش مورد معاقبه قرار داد. او فرار کرد و به معاویه پیوست. (8)

به برادرش عقیل با عایله مندی زیاد اندکی گندم بیشتر از بیت المال نداد به قیمتی که عقیل سر سفره معاویه نرود!

نجاشی شاعر معروف هم با شمشیر و هم با رسانه ی شعر پشتیبان او بود. در صفین از دلیرانی بود که با جمعی بیعت مرگ بسته بودند یعنی جنگ با معاویه تا شهادت!

ماه رمضان فریب خورد و شراب نوشید. حضرت بدون تعارف و لاپوشانی بر حامی فرهنگ-نظامی خود حد جاری کرد!

طارق بن عبدالله نهدی از بزرگان قبیله نجاشی به اعتراض آمد: سرانجام ما راهی پیش می گیریم که به جهنم منهی می شود!

در پاسخ فرمود: برادر نهدی، نجاشی یک نفر مسلمان است که احترام آنچه خدا محترم شمرده را نگه نداشته است و ما هم حد بر او جاری کردیم تا کفاره گناه او باشد.

طارق و نجاشی شب از کوفه فرار و به معاویه پیوستند. معاویه آنها را پذیرفت و در مذمت علی(ع) سخن گفت. طارق برخاست و به معاویه اعتراض کرد و گفت: ما طاقت عدالت علی(ع) را نداشتیم که از وی بریده و به تو پیوستیم (9)

پی نوشت:

1. این نظر را شهید مطهری در آثار خود به تفصیل تبیین کرده اند.
2. خطبه 5 نهج البلاغه و هم طبری ج 2 ص 237 وارشاد مفید ج 1 ص 190
3. حکمت 22 نهج البلاغه و مناقب ابن شهر آشوب ج 1 ص 274
4. نامه 54 نهج البلاغه

5 تا 8. کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی / محمد حسین رجبی دوانی به ترتیب
صفحات: 182 و 183/201 و 202/232 و 233/268/268 و 269